



سلسله مقالات " مبانی مذهب اسماعیلی " (3)

آشنایی با شخصیت، کار و فعالیت برخی از رجل برجسته اسماعیلی

امیر حسین مروزی

بعد از شهادت امام اول شیعیان و به قدرت رسیدن معاویه نزاها و کشمکشها در بین مسلمین به طرفداری فرزندان امام علی و طرفداران معاویه در بلاد اسلامی در گرفت. این کشمکشها در اول چندان محسوس نبودند، ولی زمانیکه معاویه پسرش یزید را ولیعهد ساخت، دیگر مسلمانان دانستند که خلافت اسلامی به امارت مبدل شد. حتا آنهاییکه در اول طرفداری معاویه را میکردند دیگر علم بغاوت علیه یزید را بلند نمودند. هرج و مرج و بی سر و سامانی اکثر شهرهای بزرگ اسلامی را درنوردید. درین میان امام حسین دومین فرزند امام اول بدست سپاهیان یزید به شهادت رسید. شهادت امام حسین بر خشم و انزجار اقشار مختلف مسلمانان را بر علیه معاویه فزونتر ساخت. بعد از شهادت امام حسین گروههای مختلف علم خونخواهی را بلند نموده و خواهان برگشتاندن خلافت به نوادگان امام اول شدند. عباسیان فرزندان عباس بن عبدالمطلب عموزادگان پیامبر و امام علی یکی از مبارزترین گروههای اسلامی بودند که خواهان سرنگونی بنی امیه (نوادگان معاویه بن ابوسفیان) بودند.

عباسیان به کمک ابومسلم خراسانی در سال 750 هج بر امارت بنی امیه نقطه پایان گذاشتند، و خود زمام امور را در دست گرفتند. عباسیان از همان روز اول بقدرت رسیدن در برابر علویان (فرزندان) امام علی سیاست خشنتر نسبت به اسلاف شان را اتخاذ نمودند. در آزار و ازیت فرزندان امام علی از هیچ چیز کوتاهی نمیکردند. امام جعفر صادق سیاست معتدل را نسبت به تمام گروهها اتخاذ نمود و از پیروانش خواست که از رویارویی امت اسلام پرهیز نمایند. امام اسماعیل فرزند ارشد امام صادق باور داشت که از رویارویی و برخورد باید پرهیز کرد، ولی کار دعوت در بلاد اسلامی را نیز نباید نادیده و بی تاثیر شمرد. امام اسماعیل و بعد از وی فرزندش امام محمدابن اسماعیل داعیان را به بلاد مختلف اسلامی غرض دعوت گسیل نمودند. راجع به آغاز دعوت اسماعیلیه در خراسان معلومات زیاد در دست نیست. باز هم درین مورد نظریات ضد

و نقیض موجود اند، که نشاندهنده آغاز کار دعوت در خراسان میباشند. از فحوای اسناد دست داشته بر می آید که داعیان اسماعیلی همپای همکیشان خویش در بلاد مغرب اسلامی در خراسان مشغول دعوت بوده اند. داعیان اسماعیلی همواره تلاش مینمودند تا برای پیشبرد کار دعوت امراء، حکام و دولتمردان را به سوی خود جلب نمایند. هدف این کار معلوم بود که میخواستند در زیر چتر نفوذ آنها فارغ البال بکار خویش ادامه دهند. یکی از رجال برجسته ای که در عهد سامانیان به دعوت اسماعیلیه لبیک گفت، امیرحسین مروزی بود.

امیرحسین مروزی در دوردن امارت سامانیان (874 - 1004 م) در مرو، هرات و سیستان قدرت زیاد بهم رسانده بود. وی نخستین امبری بود که در زمان امارت سامانیان در بخارا مذهب اسماعیلی را پذیرفت، و به داعیان اسماعیلی رخصت داد در قلمروش آزادانه دعوت نمایند.

امیر حسین نسبت عهدشکنی امیر احمدبن اسماعیل سامانی (259 - 301 هـ) بر وی یاغی شد و چندین بار بر سیستان حمله کرد، و آندیار را بدست آورد و بدین طریق بر وسعت قلمرو خود افزود. در فرجام احمد بن اسماعیل پذیرفت که حکومت آن سامان را بوی بدهد، ولی بار دیگر بر عهد خود وفا نکرد. احمدسامانی خلاف پیمانیکه با امیرحسین بسته بود حکومت سیستان را در سال 298 هـ. به سیمجوردواتی داد. درین زمان منصور بن اسحاق که از مخالفان احمد بن اسماعیل بشمار میرفت به حسین مروزی پیوست و علم شورش را علیه بخارا بلند نمود. بعد از درگذشت احمد سامانی، منصور بن اسحاق فرصت را غنیمت دانسته مدتی خطبه را بنام او بخواندند. بعد از احمدسامانی پسرش نصر بن احمد بن اسماعیل (301 - 331 هـ) در بخارا بر جای پدر بر مقام امارت تکیه زد. نصر بدون اسرع وقت حمویه را مامور به دفع شورش منصور بن اسحاق و حسین مروزی ساخت. حمویه قبل از اینکه به نیشاپور برسد منصور بن اسحاق وفات یافته بود و حسین مروزی نیز در هرات بود. درین گیر و دارها بود که بار دیگر گرایشها عوض شدند و ظاهرا همه چیز تغییر کرده بود. منصور در گذشت ولی برادرش همچنان با حسین وفادار ماند و در هرات مشغول تنظیم امور با حسین بود. درین هنگام محمدبن جنید شهنه بخارا که نسبت به امیر نصر کینه در دل داشت به حسین پیوست. محمد بن جنید در حالی به وی پیوست، که او دیگر به یکی از قدرتمندان محلی مبدل شده بود، که میشد بر نیروی او حساب کرد. حسین هرات را گذاشت و به نیشاپور آمد. در نیشاپور حمویه که سرداری سپاه امیر بخارا را بدوش داشت نتوانست کاری کند که مایه دلخوشی مخدمش گردد. امیر نصر دید که از دست حمویه چیزی ساخته نشد اینبار سردار دیگری بنام احمد بن سهل را با وعده و وعید زیاد مامور به جنگ با حسین ساخت. احمد بن سهل که فریب وعده های متعدد احمد سامانی را خورده بود به خراسان حمله کرد. احمد بن سهل در چندین فقره از جنگهاییکه بین او و طرفداران حسین واقع شده بود شکست خورد. در فرجام پس از گریه دارهای زیاد حسین بسال 306 شکست خورد و اسیر شد. احمد سامانی محمد بن جنید را بخوارزم فرستاد تا درانجا درگذشت، و حسین مروزی را زندانی ساخت تا که در زندان وفات یافت.

امیرنصر به وعده هاییکه به احمد بن سهل داده بود وفا نکرد، و احمد هم از اطاعت وی سرباز زده رو به خلیفه عباسی المقتدر در بغداد آورد و از وی درخواست حکومت خراسان را نمود. خلیفه از سامانیان چندان دلخوش نداشت روی این اصل حکومت خراسان را به احمدبن سهل داد. کار احمد بن سهل کمی بالا گرفت، او برخی از مناطق مانند گرگان را فتح و

مرو را نیز تصرف نمود. امیرنصر از قدرت روزافزون احمد بن سهل ترسیده حمویه را به دفع وی مامور ساخت. حمویه او را شکست داده اسیر نمود و به بخارا فرستاد، به قول معروف " کلوخ انداز را پاداش سنگ است" ؛ در همان زندان که حسین مروزی وفات یافت احمد بن سهل نیز در همانجا درگذشت.

حسین مروزی علاوه بر اینکه خود یکی از داعیان اسماعیلی بود و در ضمن در خراسان دارای نفوذ و شهرت فراوان بود ، به اسماعیلیان رخصت داد تا از ادانه در قلمرو وی به کار دعوت بپردازند. درین دوره بود که مذهب اسماعیلی در خراسان و ماوراالنهر پیشرفتهای زیاد نمود. بعد از قتل امیرحسین مروزی اسماعیلیان مضمحل نشده بر عکس به پیشرفتهای زیادی در قلمرو سامانیان نایل شدند، و حتی در دربار بخارا نیز نفوذ نمودند. دعوت اسماعیلیان حرکتی بود کاملاً منظم و سازمان یافته . این حرکت یک جنبش تصادفی و غیر منظم نبود که با از بین بردن و یا مرگ یک داعی و یا چند شخصیت منزوی و مضمحل گردد. جنبش اسماعیلیان همواره توسط داعیان مجرب و کارآموده اداره میشد که قابلیت تربیت و پرورش افراد دیگری را داشتند، که در صورت مرگ داعی به فقدان شخصیت مواجه نگردند. بعد از مرگ حسین مروزی داعی دیگر اسماعیلی بنام احمد نسفی زمام امور دعوت را در خراسان و ماورالنهر در دست گرفت.

احمد نسفی مرد مجرب و کارآموده ی بود. نسفی معتقد بود که برای پیشبرد کار دعوت به یک پشتیبان مقتدر نیاز است، بانی که بتوان در زیر حمایتش کار دعوت را به انجام رساند. نسفی برای رسیدن به این مقصد دربار امارت بخارا را هدف گرفت. تیر داعی به خطا نرفت. احمد نسفی در بخارا و اطراف آن به موفقیت‌های بیشماری دست یافت، یکی از برجسته ترین این پیروزیها جلب امیرنصر سامانی به مذهب اسماعیلی بود. در دربار با تبعیت از امیر نصر عده از درباریان از جمله حاجب ایتاش و دبیرش ابوبکر بن ابی اشعث و ابومنصور چغانی نیز کیش اسماعیلی را پذیرفتند. امیرنصر سامانی به وساطت احمد نسفی پذیرفت تا خونهای حسین مروزی را که در زندان احمد بن نصر سامانی وفات یافت، مبلغ یک صد و نوزده هزار دینار را به القائم بامرالله امام اسماعیلی و خلیفه باطمی فرستاد.